

زاهد چيست ؟ زاهد كيست ؟

تحقيق و ترجمه كتاب شريف

« الزاهد »

تأليف شيخ جليل القدر أبو محمد الحسين بن سعيد

الكوفي الأهوازي رحمته

من أصحاب أبي الحسن الرضا، وأبي جعفر الجواد، وأبي الحسن الهادي

صلوات الله عليهم وعلى جميع أهل بيت النبوة الطاهرين.

المتوفى بقم المقدسة

ترجمه و تحقيق: عبد الله صالحی

تقدیم به

یگانه فرزانه جهان بشریت، امیر المؤمنین، علی (علیه السلام)
 الکوی تمام نمای خوشبختی‌ها و کمالات مادی و معنوی،
 آن زاهد راستین مخلص و با حقیقت
 بدان امید که پیروانش، راه راست را بشناسند
 و با هدفی معین، پیش به سوی اوج
 سعادت پرواز نمایند.

ما ز بالاییم و بالایی رویم	ما ز دریاییم و دریای می رویم
ما از اینجاییم و آنجا می رویم	ما ز هر جاییم آنجا می رویم
* * * * *	
سعی کن حرص و طمع خانه خراب نکند	عافل از واقعه روز حسابت نکند
ای که دم می زنی از دوستی احمد و آل	آنچنان باش که ارباب جوابت نکند
* * * * *	
دست طمع چو پیش کسان می کنی دراز	بل بستانای که بگذری از آبروی خویش

کوفی اهواری، حسین بن سعید، قرن ۳ ق.

کتاب الزهد، عربی - فارسی.

زهد چیست؟ زاهد کیست؟ : تحقیق و ترجمه کتاب «الزهد» / تألیف أبو محمد

الحسین بن سعید الکوفی الأهوازی؛ ترجمه و تحقیق، استاد عبد الله صالحی

قم: انتشارات نور السجاد، ۱۳۹۱ / ص ۳۰۹ / شابک: ۴ - ۷۰ - ۵۲۲۰ - ۶۰۰

- ۹۷۸ : ۷۵۰۰۰ ریال.

فیما به صورت زیر نویس

زهد - احادیث شیعه - قرن ۳ ق.

صالحی نجف آبادی، عبد الله، ۱۳۲۷ محقق و مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۵۳۰۴۱ ح/ ۹۲۵/ ۵/ ۱۴۱ bp

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲ شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۴۲۳۶۴



امسا راست نورالهدی

زهد چیست؟ زاهد کیست؟

ترجمه و تحقیق کتاب شریف «الزَّهْد»

مؤلف / الشیخ الفقہ الحسین بن سعید الکوفی الأهوازی
مترجم و محقق: حجة الإسلام والمسلمین. حاج شیخ عبد اللہ صالحی
ناشر / نور السجاد
لیتوگرافی / کمیل
چاپ / فردوس

طراح جلد: حسین صالحی - ۰۹۱۲۶۵۱۰۱۲۲

تاریخ و نوبت چاپ / اول، ۱۳۹۱ ش (۱۴۳۲ هـ ق)

تیراژ / ۵۰۰۰ نسخه ❀ با اصلاحات و ریزش دوم ❀

قیمت / ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۷۰-۷۰-۵۲۲۰-۶۰۰-۷۸

تلفن مراکز پخش:

ناشر: ۰۹۱۲۷۵۱۰۵۲۹ - ۷۸۳۵۵۵۴ - ۰۲۵۱

مترجم: ۰۹۱۲۷۴۶۸۷۲۵ - ۷۷۳۱۵۸۷ - ۰۲۵۱

فهرس ابواب و موضوعات

۷	پیشگفتار:
۸	تعریف زهد و زاهد:
۹	فضیلت زهد و زاهد:
۱۰	اقسام زهد:
۱۵	معرفی نویسنده محترم کتاب:
۱۹	خطبه کتاب:
۲۱	باب اوّل - سکوت مگر از سخن خوب، ترک کارهای بیهوده:
۲۱	و سخن چینی:
۳۷	باب دوّم - ادب و ترغیب بر کارهای خوب:
۶۳	باب سوّم - (اثرات) خوش اخلاقی، مدارا و عصبانیت:
۷۵	باب چهارم - پیرامون عمل معروف و منکر:
۸۱	باب پنجم - نیکی به والدین، خویشان، طایفه و قطع صله رحم:
۹۷	باب ششم - حقوق همسایه:
۱۰۱	باب هفتم - کارمندان و زیردستان:
۱۰۵	باب هشتم - دنیا و جویندگان آن:
۱۱۹	باب نهم - دو فرشته و آن چه که ثبت نمایند:
۱۲۳	باب دهم - فروتنی و خود بزرگ بینی:
۱۳۵	باب یازدهم - ریاکاری، دوچهره‌ای، خودپسندی و خودبینی:
۱۵۱	باب دوازدهم - توبه، استغفار، پشیمانی و اعتراف:
۱۶۳	باب سیزدهم - گریه از ترس خداوند متعال:

- باب چهاردهم - اهمیت یاد مرگ و قبر بودن. ۱۶۷
- باب پانزدهم - مشاهدات مؤمن و کافر هنگام مرگ. ۱۷۷
- باب شانزدهم - سؤال و جواب قبر و عذاب قبر و برزخ. ۱۸۹
- باب هفدهم - حشر، حساب، صراط و توقف در پیشگاه خداوند. ۲۰۱
- باب هیجدهم - شفاعت و نجات یافتگان از آتش. ۲۱۵
- باب نوزدهم - احادیث بهشت و دوزخ. ۲۲۵
- باب بیستم - امر به معروف و نهی از منکر. ۲۴۱
- مستدرکات کتاب زهد. ۲۴۸
- آشنائی با برخی از آثار منتشره مترجم. ۳۰۵
- کتابهایی که آماده چاپ و نشر می باشد. ۳۰۷

پیشگفتار:

سیاس و ستایش بی نهایت خداوند حکیم یکتا را، به پاس نعمت‌های بی‌منت‌هایش، به ویژه که ما را از موالیان و علاقه‌مندان خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام قرار داد، و سلام و درود بر اشرف موجودات و افضل پیامبران، حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم؛ و بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، پیشوایان بر حق و هدایت‌گران راستین بشریت، و لعن و نفرین بی حد بر دشمنان آنان باد، که در حقیقت دشمنان خدا و رسول او هستند.

سپس سلام و درود بر کسانی که - در گفتار و کردار خویش - به نیکی از اهل بیت رسالت پیروی کرده، در ولایت اهل بیت، شکبیا و با استقامت بوده؛ اذیت‌ها، سختی‌ها، بیچارگی‌ها، تبعید و دوری از دیار و خانواده را عاشقانه تحمل نموده؛ و شهید شدند، سوختند ولی در تمام دورانها به ربه‌مان ولایت و محبت (اهل بیت علیهم‌السلام) تمسک جستند و خم به ابرو نیاوردند.

آن‌هایی که امام صادق علیه‌السلام در توصیفشان فرمود: ما عابراینیم؛ و شیعیان ما از ما شکیاتر، چون ما علم داریم و صبر می‌کنیم، ولی آنان بر آنچه عالم نیستند صبر می‌نمایند. اینان کسانی هستند که در آنچه که با خدا معاهده بستند، راست گفتند. (۱)

همانا مؤمنان حقیقی الگوهای صبر و استقامت، چراغ‌های روشنی بخش دیگر انسان‌ها می‌باشند، که از هیچ بلیه و مشکلی واهمه ندارند و تنها همت و تلاش ایشان، ضمن نجات خویش، نجات و به سعادت رساندن دیگر بندگان الهی است و در این مسیر و هدف مقدس چون شمع می‌سوزند و می‌نالند، روشنایی می‌دهند تا

۱. تفسیر قمی: ۱۴۱/۲ س ۱۹، دعوات راوندی: ۲۸۷ ح ۱۷، بحار الأنوار: ۲۴/۲۱۶ ح ۷، و ۸۴/۷۱ ح ۲۷، و ۱۳۳/۸۲ ذیل ح ۱۶، تفسیر نور الثقلین: ۴۹۷/۲ ح ۱۰۲، و ۱۳۳/۴ ح ۸۵.

دیگران از نور پُر فیض وجودشان بهره ببرند، که خداوند متعال برای ایشان درجات و مقامات عظیمی را در جایگاه ابدی - یعنی جهان آخرت - مقرر نموده است.

البته به مقامات شامخ و بلند مرتبه نمی‌توان رسید، مگر با انجام وظیفه و گذر از آزمایش‌ها و امتحانات گوناگونی که با صلاح دید خداوند حکیم انجام خواهد گرفت، یعنی هر شخص به مقدار توان و ایمانش، - هر که در این راه مقرب‌تر است، جام بلا بیشترش می‌دهند - که در این زمینه آیات شریفه قرآن و احادیث بسیاری از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام (در ابعاد و اشکال گوناگون) موجود می‌باشد، که در کتاب شریف «الزمن» به مواردی از آن اشاره شده است.

همچنین تاریخ فرزندان در دوران‌های مختلف نمونه‌ها و الگوهای مناسبی است برای افراد علاقه‌مند که می‌توان به کتابهایی که در این زمینه نگاشته شده است، مراجعه نموده و بهره‌مند شد.

❖ نکته مهم و قابل توجه برای جویدگان سعادت دنیا و آخرت این است، که باید دست از شعار و قلقه زبان برداشت و دنبال عمل مخلصانه رفت و به مال و منال دنیا بی‌میل و بی‌رغبت بود؛ باید دانست که یکی از راههای حساس و اساسی، زاهد و پارسا بودن نسبت به مادیات، تشریفات و تجملات است، و گرنه طبق آیات شریفه قرآن، در قیامت بهره‌ای از نعمت‌های حیاتبخش نخواهیم داشت، از آن جمله خداوند فرموده است: هر که دنیا و متعلقات آن را بخواهد عطایش می‌کنیم، ولی در آخرت بهره‌ای نخواهد داشت.^(۱)

اکنون توجه عزیزان را به چند نکته، ارزشمند جلب می‌نمایم:

❖ تعریف زهد و زاهد:

زهد، از جهت لغت معانی مختلفی دارد، همانند:

ترک کردن چیزی، بی‌میل شدن، چشم پوشی نمودن از آن، رها کردن، کنار گذاشتن، بی‌ارزش دانستن و خوار شمردن آن و کناره‌گیری کردن از آن.

زاهد یعنی: پارسا، تارک دنیا و گوشه گیر.
و از جهت اصطلاح علمای اخلاق: زهد خلاف علاقه و اشتیاق به دنیا، عکس دوستی و عشق به مادیات می باشد.
همچنین گفته اند که زهد از سه طریق حاصل می شود: ترک نمودن زینت ها و تجملات، ترک نمودن هوی و هوس، ترک نمودن دنیا و متعلقات آن؛ بنابراین، حرف (ز) اشاره به اولین، حرف (ه) اشاره به دومین و حرف (د) اشاره به سومین راه خواهد بود.

❖ فضیلت زهد و زاهد:

زهد، یکی از خصلت های مهم پیامبران الهی و اولیاء و صالحانی بر شمرده شده که گوی سبقت را در میدان معنویت برده اند؛ و همانطور که در بعضی منابع وارد شده است، خداوند حکیم زهد را برای انبیاء و مقربان خود شرط رستگاری قرار داده است، در دعای شریف ندبه می خوانیم: «و شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتٍ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّنِيَّةُ» یعنی: خدایا! زهد را برای اولیا و صالحان شرط گذراندن مراحل این دنیای پست و بی ارزش را، دانسته ای.
شیخ صدوق با سند خود، از فاطمه دختر امام حسین، از فاطمه زهرا، از رسول گرامی اسلام ﷺ نقل می نماید که فرمود: اولین وسیله پاکی و تکامل این امت زهد و یقین است؛ و هلاک کننده ایشان حرص، تنگ نظر بودن و آرزوی مادیات داشتن است. (۱)

امام محمد باقر علیّه السلام فرمود: از امیر مؤمنان علی علیّه السلام درباره ایمان سؤال شد؟ در جواب فرمود: ایمان بر چهار رکن استوار است: صبر، یقین، عدالت و جهاد. صبر بر چهار شعبه است: شوق، دلسوزی، زهد و انتظار با مراقبت؛ پس هر که شوق بهشت داشته باشد از شهوات و آرزوهای نفسانی به دور است، هر که دلسوز خود باشد و از آتش بترسد از گناهان فرار و توبه می نماید، هر که در دنیا پارسا و زاهد

باشد، مصیبت‌ها و مشکلات زندگی بر او آسان و هموار می‌شود و هر که در انتظار و مراقب مرگ و مردن باشد، کارهای خیر را بسیار و با سرعت انجام می‌دهد.^(۱) و نیز فرمود: از ارزشمندترین کمکهای اخلاقی برای تکامل دین، زهد و پارسایی در امور دنیا است.^(۲)

همچنین امام صادق علیه السلام فرموده است: تمامی خیرات در اتاقی قرار گرفته و کلید آن زهد و پارسایی در امور دنیا است.^(۳)

و نیز فرمود: هر که در دنیا زهد ورزد، خداوند نور حکمت را در قلبش تثبیت نماید و زبانش بر حکمت گویا شده و نسبت به عیب‌های دنیا، دردها و درمان‌های آن بصیرت یابد و از دنیا در کمال سلامت (دین خود) به آخرت سفر نماید.^(۴) و در نهایت فرمودند: زاهدان در دنیا پادشاهان دنیا و آخرت هستند، کسی که در دنیا زاهد نباشد و به آن اشیای ورزد (همیشه احساس حقارت و بی چارگی می‌کند) و در دنیا و آخرت تهیاست خواهد بود.^(۵)

❖ اقسام زهد:

براساس آنچه که از لا بلای آیات شریفه، روایات اهل بیت رسالت علیهم السلام و عبارات حکما و دانشمندان می‌توان بهره گرفت، مراحل زهد و پارسایی در ده نوع خلاصه می‌گردد:

۱- زهد فرض؛ یعنی ترک و رها کردن تمامی آنچه را که خداوند حکیم حرام گردانده است، از کردار، گفتار، رفتار، حرکات، معاشرت، کسب و تجارت، خوراک، پوشاک، نگاه، شنیدن و ... ، چنانکه از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال شد که زهد در دنیا چگونه است؟ فرمود: دنبال نکردن گناهان و دوری جستن از

۱. اصول کافی: ۵۰/۲ ضمن ح ۱

۲. کافی: ۱۲۸/۲ ح ۳، وسائل الشیعة: ۱۲/۱۶ ح ۲۰۸۳۰

۳. کافی: ۱۲۸/۲ ح ۲، بحار الأنوار: ۴۹/۶۷ ح ۲۰

۴. کافی: ۱۲۸/۲ ح ۱، من لا یحضره الفقیه: ۴۱۰/۴ ح ۵۸۹۰

۵. إرشاد القلوب دیلمی: ۲۰/۱ (باب دوم: زهد در دنیا)

محرمات الهی است.^(۱)

همچنین حضرت در حدیثی دیگر پیرامون زهد فرموده است: زهد کوتاه کردن هواهای نفسانی و آرزوها، شکر و سپاس نعمت‌ها، رها و ترک کردن آنچه خداوند حرام نموده است، می‌باشد.^(۲)

۲- زهد صرفت؛ یعنی رها کردن همه اشیاء و موجوداتی که غیر از خداوند متعال باشند، قطع علاقه از هر آن چیزی که انسان را از یاد خدا و معاد باز می‌دارد، همچنین از هر فکر و اندیشه‌ای که در مسیر غیر معنویات و کمالات اخروی باشد پیرهیزد، چنانکه حضرت رسول ﷺ در این مورد فرموده است: زاهد و پارسا کسی است که دوست ندارد آن چه را که آفریننده‌اش دوست دارد، مبعوض دارد آن چه را آفریننده‌اش مبعوض داشته است، از موجودات حلال در حدّ نیاز و ضرورت استفاده نماید. و کمترین توجهی به گناهان و محرمات نکند، زیرا که در حلال آن حساب و در حرامش عقاب خواهد بود، نسبت به همه مسلمانان مهربان و دلسوز باشد، همچنان که نسبت به خود می‌باشد، با احتیاط و به مقدار ضرورت سخن گوید همانطوری که بخواهد از مردار گندیده استفاده کند، از تجملات و تشریفات دنیایی به سختی و در حدّ ضرورت بهره گیرد، همانند آتشی که می‌خواهد دامن گیر او گردد، آرزوهای نفسانی و دنیایی خود را کم و کوتاه کند و همیشه مرگ خود را در نزدیکی و جلوی خود ببیند (که هر لحظه او را می‌رباید).^(۳)

۳- زهد عارفان؛ یعنی سعی و تلاش نماید هر کاری را که می‌خواهد مرتکب شود دربر دارنده قُرب ربوبی باشد، نه آن که اگر عبادت یا کار خیری کند طمع در ثواب و لذت‌های بهشت داشته باشد، نه آن که اگر ترک حرام و گناهی کرد به جهت ترس از آتش و عقاب الهی باشد، و نه به جهت دستیابی به امکانات و متعلقات دنیایی و تشریفات آن باشد؛ و به همین معنی حضرت صادق آل محمد ﷺ اشاره

۱. حدیث ۱۳۰ همین کتاب.

۲. فروع کافی: ۷۱/۵ ح ۳، وسائل الشیعة: ۱۵/۱۶ ح ۲۰۸۳۸.

۳. معانی الأخبار: ۲۶۰ ح ۱، عذّة الداعی: ۹۴، مستدرک الوسائل: ۴۹/۱۲ ح ۱۳۴۸۴.

نموده و فرموده است: زهد در دنیا چنین نیست که مالی را از دست دهی و یا حلالی را بر خود حرام نمایی، بلکه زهد در دنیا چنین است که آنچه را نزد خود می‌بینی بهتر و برتر ندانی از آنچه در نزد خداوند است.^(۱)

نیز فرموده است: زاهد و پارسا کسی را گویند که حلال الهی را رها کند، به جهت ترس از حساب (و باز جویی شب اول قبر و دادگاه عدل خدا در قیامت) و حرام را ترک نماید به جهت ترس از عذاب و عقاب آن.^(۲)

۴ - زهد بلیّات، یعنی تحمّل و بردبار بودن در برابر بلاها و آزمایشات الهی، خواه بر خود انسان باشد و یا بر مال، فرزند، همسر، مقام، زندگی و... باشد؛ و راضی و خشنود بودن به آنچه خداوند مهربان و حکیم می‌پسندد، همانند اولیا و بندگان صالح خدا، چون امام حسین علیه السلام که در آخرین و سخت‌ترین لحظات اظهار داشت: خدایا! راضی به رضای تو هستم، معبودی غیر از خودت وجود ندارد، همانند بردباری حضرت ایوب، ابراهیم، یعقوب، یوسف، زکریّا، یحیی و یکایک اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم اجمعین که هر کدام جریان مفصلی دارند؛ و از غیر معصومین مانند ابوذر غفاری، سلمان فارسی، سَمِیّه، مسلم بن عقیل، ابن سَکِیت و...

۵ - زهد خائفین؛ یعنی دوری کردن از آنچه احساس ضرر و خطر می‌کند و یا احتمال آن را می‌دهد، و با احتیاط کامل در ابعاد مختلف زندگی حرکت نماید.

۶ - زهد سلامت در مشتهات؛ یعنی رها نمودن هر آنچه را که مشته و مشکوک است، که به آن احتیاط نیز گفته شده است و عقل بر آن حاکم و قاضی است و اکثر افراد این نوع پارسایی را رعایت می‌نمایند.

۷ - زهد اقتصاد؛ یعنی از هر گونه اسراف و تبذیر (ریخت و پاش) دوری جسته و در امور مختلف زندگی از هر نوع تشریفات تجمّل گرایانه بپرهیزد که باب اوّل و هشتم همین کتاب به آن اشاره دارد.

۱. فروع کافی: ۷۰/۵ ح ۲، تهذیب الأحکام: ۳۲۷/۶ ح ۲۰.

۲. من لا یحضره الفقیه: ۴۰۰/۴ ح ۵۸۶۱، وسائل الشیعة: ۱۶/۱۶ ح ۲۰۸۴۲.

۸ - زهد امید؛ یعنی یافتن راهها و برنامه هایی که با رعایت و اجرای آنها، انسان به رحمت و رضوان خداوند متعال دست می یابد، که هر شخصی با تشخیص و درک خود می تواند به این راه دست یابد.

۹ - زهد عبادت؛ یعنی عبادت و پرستش در محدوده خواسته معبود؛ و از هر نوع عبادت همراه با هوی و هوس اجتناب نماید، به بیانی دیگر: عبادتی را انجام دهد که مورد خواسته و مرضی خداوند باشد، نه آنچه را که خود دوست دارد و دلش می خواهد. خلاصه آن که فقط رضایت و خواسته خداوند را در نظر بگیرد و به هر چه رنگ خدایی ندارد نزدیک نگردهد.

۱۰ - زهد علوم؛ یعنی انسان در راه در تحصیل علوم و فنونی باشد که نجات بخش خود و دیگران بود و از هر نوع علم و دانشی که مفید خود و دیگران نباشد کناره گیری نماید؛ گرچه از جهت موقعیت و ثروت مهم باشد، همچنین از علوم و فنونی که از نظر اخلاقی، فنی، اقتصادی، سیاسی و... زیان بخش است، جداً اجتناب و دوری جوید، تا سبدا خود و دیگران را در مهلکه انحراف و سقوط بیندازد.



* در این کتاب شریف، به مجموعه احادیثی پرداخته شده است که روشنایی بخش راه سالکین پارساجو، تشریح کننده قلبهای درون ستمها می باشد، که از چشمه زلال و حیات بخش اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و پارسایان دلباخته حقیقی برگرفته شده است، همانهایی که از هر کسی به گرفتاریها، امراض جسمی و روانی، وسوسه ها، رویدادها، راه و روشهای زندگی آشناترند؛ و دردها را بهتر تشخیص داده و درمان و داروها را تجویز نموده اند.

امید داریم که خداوند مهربان ما را از پیروان و تمسک کنندگان به ریسمان ولایت ایشان قرار دهد، و ما را در زمره کسانی که اعمالشان مقبول شده، گناهانشان آمرزیده، نوشندگان از شربت سیراب کننده حوض کوثر و رستگاران به شفاعتشان قرار دهد، در روزی که مال و فرزند سودمند نمی باشد، مگر آن که با

قلبی آرام و سالم بر خداوند غفور و رحیم وارد، گردیده باشیم. ان شاء الله.

ضمناً یاد آور می‌شود که در انتخاب این کتاب نفیس به دو نسخه اکتفا شده است، یکی متن کتابی که توسط مؤسسه محترم دار الحدیث با نسخه‌های مختلف خطی آن مقابله شده و در سال ۱۴۲۶ ه‍.ق، چاپ و منتشر گردیده است؛ و دیگری متن کتابی که توسط علامه محترم مرحوم میرزا غلامرضا عرفانیان (طاب ثراه)، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و در سال ۱۳۹۹ ه‍.ق، چاپ و منتشر شده است. کلیه احادیث بطور مستقل مصدربیابی شده و آن منابع و مصادری که به نوعی احادیث این کتاب شریف را نقل نموده‌اند، در پاورقی هر حدیث درج گردیده است، در ابتدا آن منابعی که از همین کتاب نقل نموده - که با عبارت: عنه انجام گرفته است - و سپس آن مصادر و منابعی که متن آن را با سندی دیگر و یا با همان سند، مطرح کرده‌اند.

کلمات و جمله‌هایی که با توجه به دیگر منابع و نظر حقیر، از جهت ادبی، یا ضبط لغت و یا معنا دارای اشکال بوده است، تصحیح و نسخه بدل آن را در بین علامت قلاب - کروشه [] - ثبت گردیده؛ و چنانچه تصحیح آن مفصل و طولانی بوده باشد، متن اصلی که دارای اشکال بوده، در پاورقی قرار گرفته و صحیح آن در متن جایگزین شده است.

عبارات مبهم و لغات مشکل با استفاده از منابع روایی، رجالی و لغت‌های مختلف، توضیح داده شده است.

در پایان، این کتاب شریف «الزهد» تعداد هفت حدیث، که در بعضی منابع از این کتاب نقل شده است و در این دو نسخه موجود نبود، به عنوان مستدرکات، ضمیمه گردیده است.

امید است که چراغی روشن برای استفاده عموم؛ و قبول خداوند کریم قرار گیرد.

آمین، یا رب العالمین

۱۳ رجب المرجب ۱۴۲۸ - عبد الله صالحی

۲۷ رجب المرجب ۱۴۳۲ -

معرفی نویسنده محترم کتاب

حسین، فرزند سعید، فرزند حماد، فرزند مهران، از اهالی اهواز و از (خانواده و ذراری) موالیان حضرت سجّاد، علی بن الحسین علیه السلام، می باشد.^(۱)

کنیه او ابو محمد است. او از اهالی کوفه بوده که به همراه برادر خود - حسن بن سعید - رهسپار اهواز شد، که در نهایت به عنوان اهوازی مشهور گشت.

او هم عصر امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام بوده؛ و از ایشان کسب فیض و نقل روایت نموده است؛ و بدین جهت از اصحاب ایشان شمرده شده، که نام او در اغلب کتابهای رجال ثبت گردیده است.^(۲)

همه اصحاب و بزرگانی که در کتابهای خود نامی از او به میان آورده اند، مدح و ثنایش نموده؛ به عنوان مثال شیخ طوسی او را در دو کتابش - رجال^(۳) و فهرست^(۴) - «ثقة» توصیف کرده است. علامه حلی در کتاب رجال خود - خلاصه - با (اصطلاحات رجالی همانند) «ثقة»، «عین» و «حلیل القدر» او را تعریف نموده است. همچنین ابوداود در حق او گفته است: «ثقة»، «عظیم الشأن». و ابن ندیم گفته است: حسن و حسین فرزندان سعید اهوازی از اهل کوفه بوده؛ و نسبت به اهل زمان خود جامع ترین افراد از جهت آشنایی به فقه و دیگر آثار و مناقب و فضائل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده اند.

علامه مجلسی، با یادآوری یکی از کتابهای او، گفته است: یکی از اصول عمده (اولیه) محدّثین، شیخ موثق حسین بن سعید اهوازی است، که نیز کتاب «الزهد» و «المؤمن» از تألیفات او می باشد.

هر دو برادر از کوفه برای مدت زمانی به اهواز هجرت کردند، که هدفشان برای

۱ رجال نجاشی: ۵۸ رقم ۱۳۷، اختیار معرفة الرجال: ۵۵۱ رقم ۱۰۴۱.

۲ رجال طوسی: ۳۵۵ رقم ۱۸/۵۲۵۷، و ۳۷۴ رقم ۱/۵۵۳۸، و ۳۸۵ رقم ۶/۵۶۶۹.

۳ رجال طوسی: ۳۵۵ رقم ۱۸/۵۲۵۷.

۴ الفهرست: ۵۸ رقم ۲۲۰.

نشر علوم و معارف آل رسول و ابناء فاطمه زهراء علیها السلام بوده است.

برای هر دو برادر تألیفات بسیاری در رشته احکام حلال و حرام، در انواع علوم، معارف و فنون به یادگار مانده است، که مرحوم کشی گفته است: فقط برای حسن، حدود پنجاه کتاب خواهد بود. مرحوم نجاشی گفته است: کتابهای فرزندان سعید کتابهای خوب و مورد عمل (بزرگان) قرار گرفته است، که سی کتاب می باشد. و صاحب جواهر اظهار داشته است: حسین بن سعید اهوازی از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام است؛ و شأن و منزلت او والاتر از آن است که قابل توصیف باشد.

او ۳۰ کتاب معتبر تصنیف و تألیف نموده است، که در اعتماد و اطمینان ضرب المثل همگان قرار دارد.^(۱) آن کتاب ها از این قرارند:

- ۱- کتاب الوضوء؛ ۲- کتاب الصلاة؛ ۳- کتاب الزکاة؛ ۴- کتاب الصوم؛ ۵- کتاب الحج؛ ۶- کتاب النکاح؛ ۷- کتاب الطلاق؛ ۸- کتاب العتق والتدبیر والمکاتبة؛ ۹- کتاب الأیمان والندور؛ ۱۰- کتاب التجارات والإجارات؛ ۱۱- کتاب الخمس؛ ۱۲- کتاب الشهادات؛ ۱۳- کتاب الصيد والذبائح؛ ۱۴- کتاب المکاسب؛ ۱۵- کتاب الأشربة؛ ۱۶- کتاب الزیارات؛ ۱۷- کتاب التقیة؛ ۱۹- کتاب المناقب؛ ۲۰- کتاب المثالب؛ ۲۱- کتاب المؤمن؛ ۲۲- کتاب المروة؛ ۲۳- کتاب حقوق المؤمنین وفضلهم؛ ۲۴- کتاب تفسیر القرآن؛ ۲۵- کتاب الوصایا؛ ۲۶- کتاب الفرائض؛ ۲۷- کتاب الحدود؛ ۲۸- کتاب الدیات؛ ۲۹- کتاب الملاحم؛ ۳۰- کتاب الدعاء.

در حقیقت حسین با برادرش حسن در تألیف این سی کتاب مشارکت داشته، ولی حسین نسبت به برادرش مشهورتر می باشد، محقق داماد گفته است: حسین بن سعید موثق و مورد اعتماد است و روایاتش صحیح می باشد.^(۲)

۱. جواهر الكلام: ۳۴/۱۳.

۲. الرواشح السماوية: ۱۰۸.

شیخ صدوق کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را ضمن کتابها و مؤلفینی شمرده است که مورد اعتماد، مشهور و مرجع فقهاء می‌باشد.^(۱)

همچنین حسن بن یزید سורانی گوید: حسن در تمامی مراحل رجالی شریک برادرش حسین است، مگر نسبت به زرعة بن محمد حضرمی وفضالة بن آیوب، که حسین توسط برادرش از آن دو نفر روایت نموده است. دایی ایشان جعفر بن یحیی بن سعد احوال از رجال و راویان حدیث از أبو جعفر الثاني علیه السلام می‌باشد.^(۲) برای این خانواده، ایمان عمیق به خداوند تبارک و تعالی؛ و خلوصشان، همچنین ولایت صادقانه‌شان نسبت به حضرت رسول و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، شناخته شده است؛ و نیز تلاش و جدّیتشان در اعمال صالحه و دفاع از حق معروف است، با توجه به این که در مدت حکومت بنی عباس، به طور مرتب مؤمنان و پیروان علی و حسین علیهم السلام را منزوی و نابود می‌کردند.

با همه این حالات این دو برادر در هر جهتی (برای ترویج دین و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام) از هیچ حرکت و تلاشی دریغ نداشته؛ و خستگی و سُستی در راه خدا به خود راه نمی‌دادند، وظایف خود را در این مسیر رها ننموده، با این که در گردابهای دریا فرو رفته ولی از اساس دین و ولایت حمایت کرده و از حقانیت آل محمد علیهم السلام به بهترین شکل و روشن ترین بیان، دفاع نمودند.

بنابراین، حسین بن سعید به شکلهای گوناگونی از ولایت اهل بیت دفاع می‌کرده و آن را ترویج می‌نموده؛ و در نشر روایات، علوم و آثار ایشان لحظه‌ای آرام نمی‌گرفت، تا جایی که با مخالفین ارتباط برقرار نموده و سرمایه آثار ارزشمند خود را - که بر گرفته از گنجینه دانش آل محمد علیهم السلام بود - با روحیه‌ای شاد و نبی خالص برای رضای خداوند، در اختیار آنها گذاشته، که این عمل منطبق است با آنچه که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، که فرمودند: «خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر (و علوم) ما را زنده و ترویج نماید»، تا شاید که دوستداران ایشان و

۱. من لا یحضره الفقیه: مقدّمه الكتاب: ۳.

۲. رجال النجاشی: ۵۸ الرقم ۱۳۷.

روشدلان به ولایت آل محمد علیهم السلام بسیار گردند.

این وظیفه و رسالت به تحقیق پیوست و تعدادی از شخصیتها را به محضر امام رضا علیه السلام روی آورده؛ و نسبت به کتاب قرآن، و حجت‌های الهی بر بندگان هدایت و بصیرت یافته، بعد از آن که غافل و رویگردان بودند؛ و نسبت به سیره و روش ایشان مخالف، با دشمنان ایشان دوست و موالی بودند. از جمله آن شخصیتها: اسحاق بن ابراهیم حاضینی، علی بن الرسان، علی بن مهزیار، عبد الله بن محمد حاضینی و غیر ایشان هستند، تا جایی که خدمات شایانی توسط ایشان صورت گرفت و کتابهای بسیاری را تألیف و تصنیف نمودند، اینها همه به فضل خداوند بود که حسین سبب هدایت چنین اشخاصی قرار گرفت، که پاداش کارهای خیر او با خدا باشد.

این محدث عظیم القدر «حسین بن سعید» از اعلام و محدثین قرن دوم و سوم هجری است، که در اواخر عمر به شهر قم منتقل گردید و بر «حسن بن ابان» وارد شد؛ و در این شهر وفات یافت، ولی با کمال تأسف با بررسی منابع موجود تاریخی، حدیثی و رجالی اثری از تاریخ وفات و محل دفن این شخصیت عظیم القدر به دست نیامد.

رحمت خدا بر او باد، روزی که تولّد یافت، روزی که از دنیا رفت و روزی که زنده مبعوث می‌گردد، خداوند ما و او را با موالیانش محصور نماید.

آمین، یا ربّ العالمین

۱۳ رجب المرجّب ۱۴۱۸ - عبد الله صالحی

خُطْبَةُ الْكِتَابِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ،
الْكَرَامِ الْبَرَّةِ.

خطبه کتاب

به نام خداوند بخشنده مهربان

ستایش مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده (و آفریننده) جهانیان

است، درود و تحیت بر سرور ما حضرت محمد و بر اهل بیت طاهرين او باد، که

اهل کرامت و نیکوکاری هستند.

١ - بَابُ الصُّمْتِ إِلَّا بِخَيْرٍ، وَتَرَكُ الرَّجُلُ مَا لَا يُغْنِيهِ، وَالنَّمِيمَةَ

١ / [١] - حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: كَفَى بِالْمَرْءِ عَيْبًا أَنْ يَنْصُرَ مِنْ عُيُوبِ النَّاسِ مَا يَغْنَى عَنْهُ مِنْ أَمْرِ نَفْسِهِ، أَوْ يَعْيبَ عَلَى النَّاسِ أَمْرًا هُوَ فِيهِ لَا يَسْتَطِيعُ التَّحَوُّلَ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ، وَأَنْ يُؤْذِيَ جَلِيسَهُ بِمَا لَا يُغْنِيهِ. ^(١)

٢ / [٢] - الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ، عَنِ الْفَضْلِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: طُوبَى لِكُلِّ عَبْدٍ نَوْمَةٍ [نَوْمَةٍ] عَرَفَ النَّاسَ قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ بِهِ. ^(٢)

٣ / [٣] - مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنْ معاويةَ بْنِ وَهَبٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ يَضْمَنْ لِي زَكَاةً بِأَرْبَعَةِ أَتِنَاتٍ فِي الْجَنَّةِ: أَتْفَقُ وَلَا تَخَفُ فَقْرًا، وَأَنْصِفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَأَفْشِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ، وَاتْرُكِ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا. ^(٣)

٤ / [٤] - مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام

-
١. عنه بحار الأنوار: ١٥٠/٧٢ ح ١٥، يأتي الحديث أيضاً في ح ١٣ بتفاوت.
 - المحاسن: ٢٩٢/١ ح ٤٤٧ (٤٧). باب المحبوبات) في حديث طويل، عنه البحار: ٣٩٣/١١ ح ٧٢. الكافي: ٤٥٩/٢ ح ١ بإسناده، عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر عليه السلام، قال ... وزاد في قوله: إن أسرع الخير نواباً البر وإن أسرع الشر عقوبة البغي عنه وسائل الشيعية: ٣٩/١٦ ح ٢٠٩١٦، وكذا الكافي: ٤٦٠/٢ ح ٢ بإسناده عن أبي حمزة، قال: سمعت علي بن الحسين عليهما السلام يقول: قال رسول الله ﷺ ... الاختصاص: ٢٢٨ عن أبي حمزة الثمالي، عن أبي جعفر الباقر وعلي بن الحسين عليهما السلام قالوا ... ضمن حديث طويل، عنه مستدرک الوسائل: ٣١٤/١ ح ١٣١٣٥، كشف القمّة: ١١٨/٢، و١٤٨.
 ٢. عنه وسائل الشيعية: ٣٥٥/١٥ ح ٢٠٧٢٤، وبحار الأنوار: ١١٠/٧٠ ح ١٠، وفيه: «نومة» بدل «نومة».
 - الخصال: ٢٧ ح ٩٨ بتفاوت و زيادة في آخره، معاني الأخبار: ٣٨٠ ح ٨.
 ٣. عنه وسائل الشيعية: ٦١/١٢ ح ١٥٦٥٠، وبحار الأنوار: ٣٩٠/٦٩ ح ٦٢.
 - المحاسن: ٨١ ح ٢٢ بإسناده عن معاوية بن وهب، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: من يضمن ... ونحوه الكافي: ٤٤/٤ ح ١٠، عنه وسائل الشيعية: ٥٤٩/٢١ ح ٢٧٨٣٧، من لا يحضره الفقيه: ٦٢/٢ ح ١٧١١ مرسلًا عن الصادق عليه السلام، عنه وسائل الشيعية: ١٨/٩ ح ١١٤١٠.